

جنگ ترکیه و یونان در خاورمیانه

(ترجمه)

پرسش

مولود چاووش اوغلو وزیر خارجه ترکیه به تاریخ 8 سپتامبر 2020م از به دست آمدن توافق نامه جدید بین کشور خویش و کشور یونان خبر داد. بر اساس گزارش سایت "ترکیه الآن" وی در اظهاراتی بیان داشت: «من همراه همتای یونانی خویش "نیکوس دیندیاس" بر اجرای گفت و گو های تحقیقاتی بین دو کشور، به توافق رسیدم.» این اظهارات وی پس از دیدارش همراه "دیندیاس" در حاشیه اشتراکش در انجمن "براتیسلاوا برای امنیت جهانی" که در اسلواکی برگزار شده بود، ایراد گردید. وی توضیح داد در حالی که یونان به عملی نمودن پیشنهادها نزدیک می شود، ترکیه میزبانی این گفت و گوها را برعهده خواهد داشت.» (منبع: سایت الآن ترکیه)

این در حالی است که ترکیه قبلاً روابط خود با یونان را با ارسال کشتی اکتشافی که آنرا کشتی های جنگی همراهی می کردند، کاملاً بحرانی نمود. واقعیت این بحران بین ترکیه و یونان چیست؟ و واقعیت مواضع جهانی در این بحران از چه قرار است؟ و آیا امریکا در پس آن قرار دارد یا که ترکیه مستقل عمل می کند؟ سپس توضیح و خامت بزرگ اوضاع در ابتداء که در نهایت منتهی به قبول گفت و گوها شد، چه می تواند باشد؟ از شما متشکرم.

پاسخ

نگاه به بحران ترکیه همراه یونان باید از دریچه اسباب و پیامدهای ملی در ترکیه و هم چنان ابعاد اقتصادی و جهانی آن بررسی گردد و برای کندوکاوی این امر، باید به امور ذیل که در ابتدای آن، به توافق نامه "لوزان" که در ربع اول قرن گذشته منعقد شده بود، پرداخت.

اول: توافق نامه لوزان

1- ترکیه صاحب بزرگترین سواحل در دریای "ایجه" و خاورمیانه می باشد. مگر توافق نامه "لوزان" - که نماینده مجرم تاریخ مصطفی کمال، به نام "حکومت بزرگ جمعیت ملی ترکیه در انقره" حکومتی منشعب شده از خلافت، امضاء نمود - ترکیه را در دریای ایجه منحصر نمود. بر اساس این توافق نامه، سواحل ترکیه از آن جدا شد. چنانچه جزایر داخل دریای ایجه تمام یا اکثر آن، متعلق به یونان شد! این امر وقتی اتفاق افتاد که مصطفی کمال نماینده خود را به لوزان سویس فرستاد تا به متفقین گوش زد نماید که حکومت منشعب از خلافت استانبول در انقره، قادر است تا هر توافق نامه ای که خواسته باشند، همراه شان امضاء کند! به این ترتیب، توافق نامه لوزان در سویس بین نمایندگان انگلیس، فرانسه و سایر کشورها از یک طرف و از طرف دیگر، نماینده مصطفی کمال به ریاست "عصمت اینونو" به نام حکومت جمعیت ملی بزرگ انقره، به امضاء رسید.

2- در این توافق نامه موارد حیرت‌آوری ذکر شده است که مصطفی کمال و نماینده آن بر این موارد توافق نمودند؛ مثلاً بر اساس ماده 12 آن جزایر دریای ایجه تمام یا اکثر آن متعلق به یونان شده است با آن که از خشک‌های یونان تقریباً 600 کیلومتر فاصله دارند؛ در حالی که این جزایر بعضاً در دو کیلومتری خشک‌ ترکیه قرار دارند چنان‌چه واقعیت جزیره "میس" که در مقابل شهر "کاش" ولایت/استان آنتالیای ترکیه قرار دارد، یونان در آن تسلط دارد و نام آن را "کاستیلو روز" گذاشته است.

یونان بر اساس همین توافق نامه درخواست خویش مبنی بر عدم کاوش در سواحل ترکیه را مشروعیت می‌بخشد؛ چون ادعا می‌کند که بر اساس توافق نامه لوزان، این سواحل حق خالص یونان است! بر اساس ماده 15 این توافق نامه، ترکیه به خاطر منافع ایتالیا از تمام حقوق و مالکیت خود بر جزایر ذیل چشم‌پوشی نموده است:

ستامبالی (استرابالیا)، دودس (رودوس)، کالکی (خارکی) و ... هم‌چنان ماده 20 این توافق نامه الحاق قبرص را به حکومت انگلیس که انگلیس آن را در نوامبر 1914م اعلام نمود، تأیید می‌کند. ماده 23 نیز صراحت دارد که طرف‌های قرارداد اساس آزادی در عبور و مرور، کشتی‌رانی در تنگه "درنیل"، دریای مرمره و باسفور را اعلام نموده، و بر آن رضایت و توافق دارند. چه از طریق آب، چه از خشک، چه در زمان صلح یا جنگ باشد.

به این ترتیب ترکیه که صاحب طولانی‌ترین ساحل در شرق دریای خاور میانه است، فاقد آزادی گشت‌وگذار در اطراف جزایر موجود این دریاها است. موضوعی که اردوغان امروز از آن به "آبی سلب شده از وطن" یاد نمود! اردوغان از ظلمی که در این قرار داد علیه ترکیه روا داشته شده است، دادخواهی می‌کند و در عین زمان، بالای سر خویش تصویر مجرم تاریخ مصطفی کمال را، کسی که به این رسوایی‌ها در لوزان تن داد، آویزان می‌کند و با هر دو حالت فوق، جرئت گفتن یک کلمه علیه مصطفی را ندارد!! بلکه احساسات ملت ترک را با نام گذاری کشتی‌های کاوش‌گر به نام رهبران بزرگ عثمانی مثل محمد فاتح و قانونی، بر می‌انگیزد در حالی که خودش در تمام سیاست‌های خویش از این رهبران بزرگ، بویی نبرده است!

اردوغان اعلام می‌کند که: «ترکیه از لحاظ سیاسی، اقتصادی و نظامی قادر است تا اسناد و نقشه‌های ظالمانه که استنادشان به عدم اخلاق است، پاره نموده و علیه شان دعوا کند.» علاوه بر این وی مدعی است که: «کشورش با مرور تجارب دردناک، برای ثابت نمودن این ادعا چه در میز مذاکرات و چه در میدان، آماده است.» (منبع: الجزیره مورخ 5 سپتامبر 2020م) مگر اردوغان صرفاً در ادعا بسنده نموده و فکر می‌کند که همین کافی است! ملت ترکیه حتماً شاهد آن اند که یونان - کشوری که دارای اردوی موثر نیست - اردوی خویش را به جزیره "میس" فرستاده است؛ در حالی که توافق نامه لوزان بر این تأکید دارد که این جزیره منطقه غیر نظامی است؛ ولی با این همه، ترکیه با قوتی که ایجاب می‌نمود، برای یونان پاسخ نداد!

3- با آن که این توافق نامه یک معامله‌ای خائنانه بوده که مصطفی کمال همراه متفقین با آن توافق نمود، مگر این توافق نامه به نام "جمعیت ملی بزرگ انقره" به امضاء رسید. انگلیس به این اکتفاء نکرده بلکه از مصطفی خواست تا شرایطی را که برای وی وضع نموده، کامل کند که بارزترین آن الغای کامل خلافت و قبول سکولاریزم در کشور بود. مصطفی کمال این شرایط را پذیرفته و در صبح 3 مارچ 1924م الغاء خلافت و جدایی دین از دولت را اعلام نمود. در شب همین روز، فرمانی را به حاکم استانبول ارسال

نمود که خلیفه عبدالمجید را مجبور نماید تا قبل از صبح روز بعد، ترکیه را ترک نماید. هواداران مصطفی از افراد پولیس و اردو، در نیمه شب به قصر خلافت رفتند و در آن جا خلیفه را مجبور نمودند تا با وسیله نقلیه حاضر شده، ترکیه را ترک کند و افراد فوق خلیفه را تا مرزهای سویس تعقیب نمودند. پس از گذشت دو روز، مصطفی کمال تمام امراء عهد، اعم از مرد و زن را جمع نمود و آنان را به خارج کشور تبعید نمود. تمام وظایف دینی را لغو نموده و اوقاف مسلمانان، مُلک دولت گردید؛ چنانچه مدارس دینی به مدارس مدنی تبدیل گردیده و زیر مجموعه وزارت معارف/آموزش و پرورش گردید. به این ترتیب، مصطفی کمال شرایط چهارگانه ذیل را که "کرزون" (وزیر خارجه همان وقت انگلیس) از وی خواسته بود اجرا کرد.

- الغاء کامل خلافت.
- اخراج خلیفه در خارج از مرزهای ترکیه.
- مصادره اموال خلیفه.
- اعلام سکولاریستی ترکیه.

سپس توافق نامه لوزان که قبل از الغاء خلافت منعقد شده بود، مصطفی پس از الغای خلافت نیز بر آن تأکید کرده و آن را اجرا نمود! به این ترتیب، توافق نامه لوزان به الغای خلافت کمک نمود. پس از آن کشورها استقلال ترکیه را به رسمیت شناخته و انگلیس نیز از استانبول و تنگه‌ها عقب نشینی نمود. به تعقیب این عمل کرد دولت انگلیس، یکی از نمایندگان انگلیس در پارلمان این کشور بر این عمل "کرزون" که ترکیه را به عنوان کشوری مستقل شناخته است، انتقاد نمود. اما "کرزون" در جواب گفت: «موضوع این است که کار ترکیه دیگر خاتمه یافته است و دیگر چیزی برایش باقی نمانده است چون ما توان معنوی آن، که خلافت و اسلام است را از آن سلب کرده ایم.» این چنین، علی‌رغم خواست تمام مسلمانان به شکل عام و مسلمانان ترکیه به شکل خاص، انگلیس توسط مصطفی کمال بر خلافت و اسلام نقطه پایان گذاشت. به این ترتیب، حکم مطابق آن چه الله نازل نموده است، از تمام روی زمین رخت بریست و حکم به غیر آن چه الله نازل نموده، تداوم پیدا نمود. تنها حکم طاغوت باقی ماند که بالای تمام مردم و در تمام جهان تطبیق می‌گردد!

دوم: این همان توافق نامه ایست که نماینده مصطفی کمال در شهر لوزان سویس به امضاء رساند چنانچه بر اساس آن، ترکیه در دریای ایجه محدود شد، جزایر و سواحل آن را مربوط یونان دانسته شد! در حدود صد سال می‌شود که ترکیه بر اساس همین توافق نامه عمل می‌کند چه چیز ترکیه را واداشته که مخالف آن عمل کند؟

کسی که جریان امور (روزانه) را دنبال می‌کند، درخواهد یافت که این بحران از پس دو عامل سربرآورده است. عامل داخلی که به خطر شرایط اقتصادی این کشور است و عامل خارجی که در پس آن ایالات متحده آمریکا قرار دارد.

1- عامل داخلی

الف) ترکیه به عنوان کشور مصرف کننده انرژی و نه تولید کننده آن، شناخته می‌شود. در این اواخر تولید نفت آن به 53 هزار بشکه در روز رسیده است. (منبع: آژانس خبرگذاری آناضول 25 جولای 2020م) رقم فوق در مقایسه با مصرف نفت روزانه آن که روزانه

یک میلیون بُشکه می‌باشد، ناچیز است. (منبع: العربی جدید مورخ 22 آپریل 2020م). این کشور در حدود 475 میلیون متر مکعب گاز تولید می‌کند و بیش از 45 میلیارد متر مکعب آن را وارد می‌کند. (الجزیره نت: مورخ 31 آگست 2020م)

به این ترتیب ترکیه باید مبالغ هنگفتی برای پرداخت بهای نفت و گاز بپردازد که آن را وارد نموده و در سال 2019م بالغ بر 41 میلیارد دالر شد که به دلیل کاهش قیمت جهانی، از سال 2018م کم‌تر شد چون در آن سال، به 43 میلیارد دالر رسیده بود. (منبع: روزنامه دیلی صباح ترکیه مورخ 27 فبروری 2020م) این عاملی است که اقتصاد ترکیه را تا حدی زیاد، از پای در آورده است.

ب) چون ترکیه بین کشورهای تولیدکننده نفت در منطقه عربی، ایران، آذربایجان و کشورهای مصرف‌کننده آن یعنی کشورهای اروپایی قرار دارد، بخش زیادی از استراتژی خود را نسبت به انرژی بر اساس همین واقعیت خود یعنی کشوری که از آن انرژی عبور می‌کند، بنا نهاده است. بندر "جیهان" ترکیه بندر صدور نفت آذری بوده که در آن و از طریق آن، شبکه‌ای از لوله‌های نفت جریان دارد که آخرین آن خط سیل ترکیه برای انتقال گاز روسیه به غرب ترکیه و از آن جا به اروپا می‌باشد که در 8 جنوری 2020م افتتاح گردید. علی‌رغم این که ترکیه به خاطر این که انرژی از این کشور عبور می‌کند مالیات می‌گیرد، با آن هم، پرداخت بهای نفت و گاز بار سنگینی را بر دوش اقتصاد این کشور گذاشته است.

ج) از سال 2009م رژیم یهود و شرکت‌های جهانی اخبار جدیدی را از کشف مقادیر زیاد گاز در مدیترانه شرقی دادند. در چاه نفت "تامار" که در 80 کیلومتری شهر "حیفا" قرار دارد، 9 تریلیون فوت مکعب از گاز قابل استخراج کشف گردید. سپس با گذشت چند ماه، چاه نفت "دالیت" در غرب و وسط فلسطین اشغالی کشف گردید که مقدار 500 فوت مکعب گاز دارد. در سال 2010م، مقادیر فوق تصور در چاه "جوناثان" در غرب فلسطین به مقدار 16 تریلیون فوت مکعب کشف گردید. روزنامه "فارین پالیسی" در زمان کشف آن گفته بود: «این بزرگ‌ترین کشف گاز طبیعی در سطح جهان در طول یک قرن است».

د) به همین دلیل ترکیه مبادرت به خرید کشتی حفاری بزرگ و مجهز با تکنالوژی روز "کشتی فاتح" از کوریای جنوبی کرده تا با اختیار داشتن آن، برای اولین بار در سال 2011م به حفاری برای جست‌وجوی نفت و گاز پرداخت. پس از آن یک مجموعه از بحران‌ها بین ترکیه، قبرص و یونان ایجاد شد مبنی بر این که ترکیه در مناطق بحری متعلق به قبرص به حفاری پرداخته است و ترکیه به قبرسی‌های ترک تبار استناد می‌کرد. مگر در ماه‌های اخیر تنش‌ها زیاد شد چون ترکیه کشتی اکتشافی دیگری از انگلیس خرید البته به خاطر کارهای حفاری دریایی تا ناوگان مکملی از حفاری دریایی و بررسی زمین شناسی داشته باشد یعنی قادر به جست‌وجو و حفاری در زمان واحد در دریای سیاه، غرب سواحل ترکیه و جنوب قبرص در خاور میانه باشد.

ه) به این ترتیب، ترکیه برای سروسامان بخشیدن به اوضاع اقتصادی خویش، به کشف نفت و گاز نیاز داشت. موضوع دیگری که باید تذکر داد این است که اقتصاد ترکیه در معرض ضربه‌های سهم‌گینی قرار گرفته است که درد آن در کاهش پول ترکیه "لیره" مشهود است. همین موضوع رئیس‌جمهور اردوغان را واداشت تا بر تنش حفاری برای یافتن گاز بیافزاید به امیدی که بتواند روزنه‌ای امیدوارانه برای اقتصاد خویش بیابد تا در نهایت بر میزان محبوبیت خویش بیافزاید - با در نظر داشت این که به خاطر کاهش قیمت لیره، برخی از رهبران حزب‌اش بر علیه وی گردن‌کشی نموده و احزاب مخالفی را تشکیل دادند که این موضوع، محبوبیت اردوغان

را کاهش داده است - به همین دلیل، کار حفاری برای یافتن گاز، شامل دریای سیاه شده و تنها منحصر به مناطق اختلافی با یونان در دریای مدیترانه نیست.

2- عامل خارجی

الف) ایالات متحده آمریکا از این اقدامات ترکیه حمایت می‌کند و این موضوع از دو زاویه واضح قابل بحث است:

اول: مفاد آمریکا از دید منطقی در حمایت اردوغان این است که پای آن در ترکیه (اردوغان) اگر مشکلات اقتصادی خویش را حل کند، در وضع بهتری قرار خواهد گرفت و محبوبیت مردمی خویش را افزایش خواهد داد تا حدی که به عالی‌ترین سطح آن برسد؛ چنانچه در سال 2014م این چنین بود. در این صورت است که می‌تواند سیاست‌های آمریکا را به اجراء در آورد چنانچه در مداخله خویش به "لیبیا" این چنین نمود و اگر ترکیه، از اوضاع اقتصادی خوب برخوردار باشد، می‌تواند در مداخلات منطقی خویش برای منافع آمریکا، پول مصرف کند.

دوم: آمریکا در عین زمان که نمی‌خواهد اروپا تحت سیاست‌های گازی روسیه قرار داشته باشد، نمی‌خواهد که اروپا در مسئله گاز، مستقل نیز باشد. یونان و قبرص دو عضو اتحادیه اروپا اند که خطوط لوله گاز از این دو کشور به اروپا وصل می‌گردد تمام این موارد برای آمریکا خوشایند نیست. به همین دلیل، آمریکا از تهدید کردن استقلال گاز اروپا توسط ترکیه، حمایت می‌کند. به این معنی که اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه به تهدید یونان و بدون توافق همراه آن، به حفاری در مناطق دریایی‌ای که از خود می‌داند و با حمایت مخفیانه آمریکا پرداخته است. به همین دلیل کشتی‌های نظامی آمریکا همراه ترکیه در مانورهای نظامی ترکی، اشتراک نمودند چنانچه وزارت دفاع ترکیه از مشارکت ناوشکن‌های امریکای "یواس اس واشنگتن" در این مانورها خبر داد. (منبع: روزنامه الآن ترکیه 26 آگست 2020م)

تمام این بهرغم این که آمریکا در تنگنای شدید قرار دارد صورت می‌گیرد؛ چون یکی از کشورهایی را که داخل پیمان ناتو است، علیه کشور اروپایی دیگر که آن نیز داخل پیمان ناتو است، حمایت می‌کند. این حمایت آمریکا در حالی صورت می‌گیرد که فرانسه - کشوری دیگر در پیمان ناتو- همراه یونان در مانور نظامی، اشتراک کرد.

این مانورها و برخی دیگر از لشکر کشی‌های نظامی، زنگ‌های تهدید را به صدا در آورده است و وضع خطرناکی را در شرق مدیترانه ایجاد نموده است که تهدید به درگیری نظامی بین کشورهای ناتو می‌کند یعنی بین ترکیه که از پشت پرده توسط آمریکا حمایت می‌شود و بین یونان که علناً توسط فرانسه حمایت می‌شود. البته اگر بعداً از طریق دیپلوماسی حل نگردد.

ب) از زاویه دیگر، اجازه آمریکا به بروز کشمکش بزرگ، که نزدیک است به اعمال نظامی بین دو کشور بزرگ عضو پیمان ناتو - پیمانی که آمریکا خود زعامت آن را برعهده دارد - منجر شود، بدون آن که آمریکا با در نظر داشت خطر جدی این بحران کاری بکند، این خود بیان گر آنست که آمریکا به مشکلات داخلی خویش مثل ویروس کرونا و موضوع انتخابات، دست و پنجه نرم می‌کند و در حال حاضر، این کارها را در برابر اروپا و خاصاً یونان، به اردوغان سپرده است با در نظر داشت این که اردوغان را با روش‌هایی

حمایت می‌کند که بیان‌گر در مضیقه قرار داشتن آمریکا است چون ترکیه و یونان دو عضو پیمان ناتو اند که رهبری آن‌را امریکا به عهده دارد. به همین دلیل، امریکا همراه ترکیه در مانورهای نظامی اشتراک می‌کند به‌عنوان حمایت وی در شرایط کنونی. این از یک‌طرف؛ اما از طرفی دیگر، "پومپئو" در سفری از قبل تعیین نشده به قبرص بخش یونان سفر کرده و از ترکیه می‌خواهد که نیروهای خویش را از شرق مدیترانه - جایی که کشتی اکتشافی ترکیه با حمایت کشتی‌های نظامی فعالیت می‌کند، - عقبی نشینی دهد. (منبع: آر تی 13 سپتامبر 2020م)

این بدان معناست که امریکا (حامی ترکیه) خود را در برابر تنگنای شدیدی از سوی هم‌پیمانان اروپایی خویش یافته است. بناءً ناگزیر از اردوغان علی‌رغم تمایلش، می‌خواهد که کشتی اکتشافی خود را به عقب کشیده و به مذاکرات روی آورد چون یونان برای گفت‌وگوها، عقب‌کشی کشتی اکتشافی ترکیه را به‌عنوان پیش‌شرط، مطرح کرده بود.

سوم: مواضع کشورهای دیگر:

1- موضع فرانسه از همان ابتدا، قوی‌ترین موضع در اروپا بود؛ چون از همان اولین لحظات، حمایت خود را از یونان اعلام نمود و در این مسیر، به تنهایی حرکت نمود و "ماکرون" رئیس‌جمهور آن گفت: «من تصمیم گرفتم با هم‌کاری شرکای اروپایی، از جمله یونان، حضور نظامی فرانسه در شرق مدیترانه را به طور موقت تقویت کنم.» (منبع: خبرگزاری آناتولی ترکیه 13 آگست 2020م)

پس از آن به مانورهای نظامی مشترک دریایی همراه یونان پرداخت با اشتراک هواپیماهای "رافال" که بر فراز هوای قبرص به پرواز آمدند. سپس در 26 آگست 2020م همراه فرانسه ایتالیا به اضافه یونان و قبرص بخش "روم" به مانور اشتراک ورزید. تمام این موارد، علی‌رغم این که فرانسه هیچ نفوذی در منطقه ندارد، صورت پذیرفت که این خود، به این دلالت دارد که فرانسه می‌خواهد سر از نو، برای خویش نفوذ معتبری را به‌وجود آورد.

پرداختن فرانسه به مانور نظامی همراه یونان آن‌هم پس از آن که امریکا همراه ترکیه مانور نظامی انجام داده بود، بیان‌گر آنست که فرانسه می‌خواهد به‌شکلی پوشیده امریکا را به چالش بکشد و اشتراک ایتالیا در این مانور، بدین معناست که کشورهای اروپایی می‌خواهند علیه ترکیه بسیج شوند. هم‌چنان شاهد بر این مدعا، نشست است که برخی از کشورهای اروپایی دارای قدرت متوسط، همراه فرانسه داشتند مثل ایتالیا، مالت، اسپانیا به اضافه یونان و قبرص بخش روم. رئیس‌جمهور فرانسه بالای کشورهای فوق در اتحادیه اروپا و پیمان ناتو فشار می‌آورد تا موضع جدی علیه ترکیه اتخاذ کنند چنان‌چه وی گفته بود: «ما به‌عنوان اروپائیان، همراه حکومت رئیس‌جمهور اردوغان که تصرفات غیر قابل قبول انجام می‌دهد، باید موضع واضح و تصمیمی اتخاذ کنیم.» وی بدین باور است که ترکیه در این منطقه، شریک استراتژی نیست. (منبع: فرانس 24، 10 سپتامبر 2020م)

هم‌چنان "ژان ایو لودریان" وزیر خارجه فرانسه گفت: «نشست پیش‌روی پارلمان اروپا، به مجازات ترکیه اختصاص خواهد یافت.» وی به این اشاره نمود که رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه برای سرپوش گذاشتن به اوضاع بد اقتصادی، به افزایش تنش همراه یونان، ادامه می‌دهد. (منبع: ایندپندنت عربی 7 سپتامبر 2020م)

علی‌رغم جسارت فرانسه در اتخاذ موضع مخالف ترکیه و تلاش آن برای نابود کردن شوکت رئیس جمهور ترکیه و علی‌رغم این‌که اردوغان رئیس جمهور ترکیه مثل "فاتح" یا "قانونی" نیست - اشخاصی که کشتی‌های خود را به نام‌های شان نام‌گذاری می‌کند - تا فرانسه را در دریای مدیترانه درس عبرتی بدهد و در مقابل هزاران آرزویی که کشتی‌ها و هواپیماهای فرانسه در کاهش شأن اردوغان در خانه اش نقش بر آب نمودند، اردوغان هم در مقابل آن، حداقل یک کشتی از فرانسه را غرق کند.

علی‌رغم این همه، سیاست‌های فرانسه نام‌دُون و فاقد عمق است؛ چنان‌چه "مالت" به سرعت خود را از اتحاد همراه فرانسه خارج نمود؛ چنان‌چه "ایفارست بارتولو" وزیر خارجه این کشور در خلال نشست مطبوعاتی که همراه همتای ترکی خویش "مولود چاووش اوغلو" داشت، گفت: «اتحادیه اروپا باید روابط خویش را با ترکیه از منظر استراتژیک ببیند.» وی اضافه نموده گفت: «من معتقدم که وقت آن رسیده تا اتحادیه اروپا همراه ترکیه با جدیت تمام تعامل کند؛ خصوصاً در بخش تجارت، حقوق بشر و مبارزه با تروریسم.» (منبع: خبرگزاری آناتولی ترکیه 12 سپتامبر 2020م)

2- اما انگلیس بر تنش شرق خاورمیانه هیچ‌گونه تبصره‌ای نداشت که این خود بر نگرانی فرانسه افزوده است حتی فرانسه از زمان مطرح شدن "بریگزیت" به نقش انگلیس به‌دیده شک می‌نگرد؛ زیرا شاهد آن است که بعضاً با وی مخالفت می‌کند چنان‌چه در الجزایر چنین عمل نمود. وقتی بازارهای بزرگ مالی در لندن به خاطر ارتباط به "خام برنت" و توابع آن از قیمت‌گذاری‌ها برای سایر انواع نفت و حتی گاز طبیعی، برای انگلیس در بازار نفت و گاز جای‌گاه می‌دهد، خصوصاً در قیمت‌گذاری‌ها؛ فرانسه می‌داند که انگلیس از اتحادیه اروپا خارج شده و برای خویش در بخش نفت که از لحاظ مسائل جهانی اهمیت حیاتی دارد، می‌خواهد جای‌گاهی راست و ریست کند. به همین دلیل، فرانسه خواست تا برای خویش جای‌پاهی را در یونان باز کند تا شاید این امر وی را کمک کند که در مسائل انرژی فعالانه عمل کند نه این‌که فقط مصرف‌کننده انرژی باشد.

در مقابل، انگلیس به‌خاطر خروج از اروپا سیاست اتخاذ شده توسط اروپا را چیزی مثل "سیاست مجازات" علیه خود می‌بیند. به همین دلیل، راه خود را جدا نموده و سیاست مخصوص خود را ترسیم می‌نماید و شاید از افزایش تنش در شرق خاورمیانه نگران باشد. به همین دلیل، علیه ترکیه سیاست خصمانه را اتخاذ نموده است؛ چون یونان در مقابل منافع آن از آدرس ترکیه، چیزی محسوب نمی‌شود. به همین دلیل، فکر می‌کند که روی موج یونان، کسی جز متعصب کور مثل فرانسه، سوار نمی‌شود!

فرانسه در مقایسه با انگلیس و آلمان فاقد دور اندیشی می‌باشد و پس از انجام کارهای سیاسی دشوار، دست خالی بر می‌گردد. به همین دلایل، رئیس جمهور ترکیه سخت بر وی هجوم آورده گفت: «آقای ماکرون تو همراه شخص من، مشکلات بیشتری خواهی داشت.» وی اضافه نموده گفت: «تو فاقد معلومات تاریخی هستی و حتی تاریخ فرانسه را نمی‌دانی پس از اشتغال به ترکیه و ملت آن بپرهیز.» (منبع: قدس عربی 12 سپتامبر 2020م)

3- اما آلمان کشور دیگری است که در پس موضع خصمانه فرانسه علیه ترکیه، پایش نلغزید و خواهان وساطت بین طرف‌های درگیر شد. چنان‌چه برخی نقش آن را شکلی تفسیر می‌کنند که باید آن را واشنگتن بازی می‌نمود. این کشور همواره مخالف موضع فرانسه بوده، وساطت را اختیار نموده و به گفت‌وگو فرا می‌خواند.

آلمان شدیدترین موضعی که در قبال ترکیه اتخاذ نموده، آن چه است که "هایکو ماس" وزیر خارجه آن در خلال بازدیدش از "آتن" بیان داشت. چنانچه گفته بود: «در خصوص کاوش‌گری ترکیه در شرق خاورمیانه، ما موضعی کاملاً واضح داریم... باید به حقوق بین الملل احترام شود. بنابر این، پیش‌رفت در روابط اتحادیه اروپا با ترکیه وقتی ممکن خواهد بود که انقره تحرکات در شرق مدیترانه را متوقف کند.» وی در ادامه گفته بود که باید ترکیه حفاری در سواحل قبرص را متوقف کند. (منبع: فرانس 24، 22 جولای 2020م)

4- اما روسیه با استفاده از روابط حسنه خویش همراه ترکیه، می‌خواهد نقش میانجی‌گری بازی کند؛ مگر طبق عادتش قادر به هیچ‌گونه اقدام شخصی نیست هرچند که در مقابل مانورهای فرانسه، انجام مانورهای نظامی را در شرق خاور میانه اعلام نموده شاید می‌خواهد به خودش تذکر دهد. بر اساس گزارش خبرگزاری بلومبرگ به نقل از نیروی دریایی ترکیه، قرار است روسیه در روز سه شنبه آینده، مانورهای دریایی - نظامی خود را با مهمات جنگی در دریای مدیترانه اجراء کند. این مانور تا 22 سپتامبر ادامه خواهد داشت و مانور دیگر از 17 الی 25 سپتامبر جاری ادامه خواهد داشت. "ایگور دیگالو" سخن‌گوی نیروی دریایی روسیه گفت: «ما روابط اقتصادی و دفاعی قوی‌ای همراه ترکیه داریم مگر سیاست ما عدم حمایت یکی از طرفین نزاع است.» مانورهای نظامی روسیه پس از تمرین‌های نظامی دیگری است که فرانسه در منطقه اجرا نمود؛ چنانچه هواپیماهای نظامی و کشتی جنگی برای حمایت از یونان و قبرس در این کشمکش مستقر نمود. (منبع: ایندپندنت عربی 7 سپتامبر 2020م) یعنی موضع روسیه حاشیه‌ای باقی می‌ماند و به انتظار اشاره از پس اقیانوس است مگر در عین زمان، قدرت خویش را نیز می‌خواهد به نمایش گذارد.

چهارم: با درنظر داشت آن چه گفتیم، بحران ترکیه و یونان اگر همین‌طور ادامه یابد، انتظار می‌رود تا شگاف عمیقی را در روابط جهانی در بخش اقیانوس اطلس، ایجاد کند. کشورهای اروپایی می‌خواهند تا جایگاه خویش را در جهان ببینند - جهانی که امریکا به خاطر تمرکز بر چین و مشکلات روز افزون داخلی خود - می‌خواهد از رهبری بر آن عقب، نشینی کند.

کشورهای اروپایی خواهان نقشی جدا از امریکا اند و امریکا در سایه حکومت ترامپ - با استفاده از نقش دیگران مثل نقش ترکیه و روسیه در لیبیای کنونی - از تهدید منافع اروپا، عقب نشینی نمی‌کند. کشورهای اروپایی به شدت نگران این اند که بحران شرق دریای مدیترانه - اگر ترکیه بر بخش بزرگی از آن تسلط یابد - منجر به از بین رفتن رؤیاهای شان که دستیابی به منبع امن گاز طبیعی است، شود از آنجا که ترکیه در پس پرده توسط واشنگتن حمایت می‌گردد، به همین دلیل، سیاست فرانسه در شرق دریای مدیترانه تلاش می‌کند تا نقشی را که در واشنگتن برای ترکیه و روسیه تهیه می‌گردد، رد نماید.

این اختلاف در اقیانوس اطلس کم‌تر از اختلاف دیگر در داخل خود اروپا نیست به همین دلیل، موضع آلمان این بوده که فرانسه را از کشاندن اروپا برای مجازات ترکیه، باز دارد یعنی فرانسه در داخل اروپا موفق نشد تا کشورهای اروپایی را علیه ترکیه بسیج کند. به همین دلیل، فرانسه هم کشورهای حوزه مدیترانه را گردهم جمع نمود!

آلمان به منافع خود زیاد فکر می‌کند حتی به تاریخ خویش همراه ترکیه فکر می‌اندیشد چون آلمان و ترکیه در در جنگ جهانی اول در کنار هم با متفقین جنگیدند و روابط آلمان همراه ترکیه همواره قوی بوده است که این روابط را فقط بعضاً سیاست‌هایی که رئیس‌جمهور اردوغان به خاطر امریکا اتخاذ می‌کند، مخدوش می‌نماید. علاوه بر این، اقلیت بزرگ از ترک‌ها در آلمان زندگی می‌کنند.

پنجم: اما آیا بحران خاتمه یافته است یا نه؟ ترکیه اکتشاف مهم گاز در دریای سیاه به میزان 320 متر مکعب را اعلام نموده است. این خود وی را انگیزه می‌دهد تا حفاری را در دریای سیاه و شرق دریای مدیترانه ادامه دهد؛ چون تلاش این کشور برای کاهش بار اقتصادی، مستمر است و حمایت امریکا را هم‌چنان با خود خواهد داشت که این حمایت توسط امریکا، برای فشار آوردن بالای اروپا و خاصاً فرانسه استفاده می‌گردد تا این که خیلی در تضاد و برای برهم زدن سیاست امریکا در منطقه به پیش نرود! مگر مسئله دردناک این است که سرزمین‌های اسلامی در خلال صد سال پسین پس از فروپاشی خلافت - دولت واقعی و عنصر عزت مسلمانان - این کشورها در ذیل ملت‌های دیگر قرار گرفتند و کفار استعمارگر توسط ابزار خود از حکام، امورشان را به دست گرفتند!! با آن‌هم، پس از تاریکی شب، طلوع صبح خواهد درخشید، خاصاً این که حزب التحریر در بین امت ان شاء الله برای اعاده خلافت تلاش می‌کند؛ چنان‌چه این امت قبلاً با عزت، نصرت و نور توسط خلافت تاج‌گذاری شده بود.

﴿إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ * وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ﴾ [ص: 87 و 88]

ترجمه: این قرآن، چیزی جز پند و اندرز جهانیان (و مایه بیداری جملگی ایشان) نمی‌باشد و خبر آن را بعد از مدّت زمانی خواهید دانست (و به زودی صدق وعد و وعید و راستی اخبار و گفتار قرآن را هم در این جهان و هم در آن جهان خواهید دید).

24 صفر 1442 هـ.ق

11 اکتبر 2020 م

مترجم: اسماعیل نصرت